نبردزن

نشریه دسته هشت مارچ

شماره سوم | مارچ ۲۰۰۶ (۱۳۶۴) | دوره اول

شماره سوم نبرد زن ، شامل مقالات قرائت شـده درمحفـل تجلیـل ازروزجهانی زن درسال جاری (۲۰۰۶ - ۱۳۸۴)وچندسنددیگراست . این محفل به تاریخ دهم مارچ ۲۰۰۶ (۱۳۸۴) مشترکاتوسط « دسته هشت مارچ » و « جنبش انقلابی جوانان افغانستان » بر گذار گردید .

محفل ساعت چهاربعدازظهرروزدهم مارچ شروع گردیدوتاساعت شش ونیم بعدازظهر همان روزدوام نمود. درمحفل،منسوبین « دسته هشت مارچ » و« جنبش انقلابی جوانان افغانستان » اشعارومقالات ترتیب شده شان را قرائت کردند.یک پارچه تمثیلی توسط دختران وپسران جوان اجرأ گردید وترانه ای توسط دختران وپسران خوردسال سروده شد. انانسری محفل بصورت مشترک توسط یک دختروبک پسرجوان پیش برده شدودرفاصله میان سخنرانی ها،اشعارویامتن های ادبی کوتاهی توسط آنهابه خوانش گرفته شد.درختم محفل ، قطعنامه ای بصورت مشترک توسط « دسته هشت مارچ » و « جنبش انقلابی جوانان » صادر گردید .

بیشترازسه صدنفرزنان ومردان مسن و همچنان دختران وپسران جوان ونوجوان دراین محفل شرکت کرده بودند .

افتتاحیه

دوستان عزیز،حضارگرامی ! تشریف آوری شمارادرمحفل امروزی خیرمقدم میگوئیم.خوشوقتیم که امروزیکباردیگردرینجاباهم گردآمده و روزجهانی زن راتجلیل می نمائیم.امیدواریم بتوانیم ازین روزخجسته بصورت شایسته تجلیل به عمل آوریم ویک محفل خوب برگذارکنیم .

هشت مارچ روز بین المللی زن است . زنان و مردان آزاده همه ساله از این روز تجلیل به عمل می آورند تا تعهد شان را در مبارزه بخاطر دستیابی به جامعه وجهان فارغ ازستم جنسی ، محکم ترواستوار ترسازند.آنهادرسراسر جهان محافل وراهپیمائی هائی تشکیل میدهندو مسئله زنان را در بُعد کشوری وجهانی آن مطرح می نمایند.یکی از ویژگی های هشت مارچ امسال دراین است که طیف های مختلف زنان آزاده ایرانی در خارج از ایران همه دست بدست هم داده و یک راهپیمائی وسیع ازفرانکفـورت آلمـان تاشـهرلاهه هالنددراعتراض به قوانین ضد زن درایران براه انداخته اند .

همسنگران افغانستانی ما دراروپاازاین راهپیمائی حمایت کرده ودرآن شرکت کرده اند.مانیزبنوبه خوداین حرکت مبارزاتی راازخوددانسته واز آن حمایت به عمل آورده ایم .

محفل امروزی توسط „ دسته هشت مارچ „ و به همکاری „ جنبش انقلابی جوانان افغانستان „ برگذار گردیده است .

محفل امروزی شامل قرائت مقالات و اشعار به زبان های دری و اردو ، اجرای پارچه های تمثیلی و سرود های رزمی ملی و میهنی است . در ختم محفل ، قطعنامه مشترک „ دسته هشت مارچ „ و „ جنبش انقلابی جوانان افغانستان „ بمثابه نتیجه گیری نهائی از محفل تجلیلیه امروزی ما ، صادر خواهد شد .

پیام همبستگی

به کارزار„مبارزه برای لغو کلیه قوانین ضد زن در ایران „ !

همسنگران عزیز !

راهپیمائی هشت مارچ شما را قاطعانه پشتیبانی می کنیم . این راهپیمائی یک حرکت مبارزاتی درست و اصولی است . این راهپیمائی می تواندوبایدبه مبـارزات زنـان در ایـران وسائرکشـور ها،بخصـوص کشـورهای همسـایه ایران،مثل افغانستان،تحرک تازه ی ببخشد.موفقیت وپیروزی راهپیمائی تان را،موفقیت وپیروزی خودبه حساب میآوریم وتبلیغ برای آنرایک مسـئولیت جدی مبارزاتی خودبه حساب می آوریم .

زنده بادمبارزات زنان ایران،افغانستان وسراسرجهان !

„ دسته هشت مارچ „

۲۵ فبروری ۲۰۰۶

- ستم جنسی درپیوندبااستثمارطبقاتی وستم امپریالیستی قراردارد — ص : ۲
- وزارت امور زنان پانزده فیصد در خوان یغما شریک شد — ص : ۳
- فراخواندن زنان به دور یک خط انقلابی — ص : ۳
- آتش زدن و بستن مکاتب دخترانه
  یک اقدام ارتجاعی جاهلانه و به نفع اشغالگران و رژیم پوشالی است — ص : ۴
- پیوند میان مسئله زنان وسائر مسائل مربوط به نظام حاکم — ص : ۶
- هدف کوچک داشتن گناه است — ص : ۷
- راهپیمائی ۸ مارس
  بیان اتحادهمه آنانی است که میخواهند برای لغوقوانین ضد زن و مجازات های تنوکراتیک بجنگند ! — ص : ۷

ستم جنسی در پیوند با استثمارطبقاتی و ستم امپریالیستی قراردارد

نخست روز جهانی زن را به شما مادران پاک طینت که سراپا لطف و صمیمیت هستید و به تمام مادران و زنان جهان تبریک و تهنیت عرض می دارم . ثانیا تشکر و سپاس فراوان ازبرگذار کنندگان این محفل که از روز جهانی زن تجلیل به عمل آورده اند و یادبودی از این قشر مظلوم جامعه ما کرده اند .

زنان نیمی از پیکر جامعه اند . مادران با یکدست گهواره فرزندان شان را می جنبانند و با دست دیگر دنیا را . دامان مادر اولین تربیت گاه انسان ها است و انسان های بزرگی که مصدر خدمات عظیم برای جامعه بشری گردیده اند ، همه دراین تربیت گاه آموزش دیده اند. پس باید به زن احترام قائل باشیم و نباید هیچگاه به حق زنان جفاوبی احترامی کنیم . . . . مردان و زنان از لحاظ انسانی دارای حقوق مساوی هستند . ولی می بینیم که در حق این قشر مظلوم جامعه همیشه ظلم و جفا روا داشته شده و حقوق حقه آنها همیشه پامال و سلب شده است .

آیا زن حق زندگی کردن ندارد ؟ آیا زن خودش نمی خواهد که در رفاه و آسایش زندگی کند ؟ پس چرا شما پدران مهربان ، مهر پدری تان را پشت پا زده و فرزندان دلبند تانرا را به مقابل پول به نکاح مردان کهن سال در می آورید ؟ آیا شما آینده این کار را هیچ فکر می کنید ؟ آیا شما هیچ فکر می نمائید که زندگی فرزندان تان برباد می گردد و آنها مادام العمر در غم و رنج می سوزند و ممکن است دست به خودکشی بزنند ؟

پدران عزیز ! هموطنان آزاده !

شرایط کنونی برای مبارزات زنان بسیار حساس است . اشغالگران امریکائی و متحدین شان و دست نشاندگان آنها به سختی تلاش دارند که با دادن امتیازاتی به قشر کوچکی از زنان افغانستان ، مسئله زنان را مورد استفاده سوء قرار دهند . آنها با ادعای اینکه به زنان افغانستان آزادی و حقوق شان را داده اند ، کوشش می کنند که آنها موضوع استقلال کشور و آزادی ملی خود و مردم خود را بفروشند .

زنان مبارز وظیفه دارند این توطئه را خنثی سازند . آنها باید رابطه میان استقلال و آزادی کشور و مردمان کشور را با آزادی و حقوق زنان ، برای زنان روشن سازند . بدون تامین استقلال و آزادی ملی کشور و مردمان کشور ، آزادی و حقوقی برای زنان افغانستان ، و همچنان مردان آن ، نمی تواند وجود داشته باشد . از جانب دیگر بدون تامین آزادی و حقوق حقه زنان ، استقلال و آزادی واقعی ملی نیز نمی تواند بدست آید . به این ترتیب ستم جنسی در پیوند با ستم ملی امپریالیستی قرار دارد .

موضوع دیگر اینکه ستم جنسی در پیوند با استثمار طبقاتی قرار دارد . تا زمانی که در جامعه طبقات استثمارگر و تحت استثمار وجود داشته باشند ، تامین حقوق مساوی میان مردان وزنان نیز ناممکن است . اساسا ستم جنسی از استثمار طبقاتی ناشی شده است .

تامین کامل حقوق و آزادی زنان مستلزم از میان بردن کامل این عامل اساسی است . در عین حال مبارزه علیه ستم جنسی به نوبه خود ضربات مهلکی بر مناسبات مبتنی بر استثمار طبقاتی وارد می نماید .

پس بر زنان رزمنده است که مبارزه برای تامین حقوق و آزادی شان را با مبارزه بخاطر استقلال و آزادی ملی و مبارزه برای یک جامعه و جهان فارغ از استثمار طبقاتی عمیقا پیوند دهند .

جای نهایت خوشی است که حد اقل تعدادی از زنان و دختران ملک ما به این آگاهی رسیده اند . بر ماست که آنان را هرچه بیشتر در راه مبارزاتی شان تشویق کنیم و از هیچگونه کمک به آنها دریغ نورزیم . در عین حال بر زنان و دختران آگاه است که بیشتر از پیش در راه مبارزاتی شان با استواری گام بر دارند . آنها باید در بالا بردن سطح آگاهی شان همیشه کوشا باشند و سعی به عمل آورند که ذخائر علمی شان را بالا ببرند . یکی از وظایف تخطی نا پذیر زنان و دختران آگاه آن است که برای بالا بردن سطح آگاهی سائر زنان و دختران و ایجاد روحیه مبارزاتی در میان آنها سعی و کوشش همیشگی به عمل آورند .

* * * * *

* * *

*

بقیه ازصفحه : ۸

دوام اشغال افغانستان ...

اما با گذشت چهار سال از عمر نکبت بار رژیم دست نشانده،این رژیم دراساس همانقدر بی صلاحیت، پوشالی،ناتوان و متکی به قوای اشغالگر خارجی باقی ماندکه درهمان اولین روز های تولد نامشروعش بود.برای اشغالگران امپریالیست و خائنین ملی ، این موضوع از همان ابتدا روشن و واضح بود.آنهادرآن وقت صرفاوانمودمیکردندکه قوای اشغالگربرای یک مدت محدوددر افغانستان خواهند ماند و بعد از آنکه دولت افغانستان را روی پای خودش ایستاده کردند، این کشورراترک خواهندگفت. اماتجربه قوای اشغالگر سوسیال امپریالیست و رژیم دستنشانده شان بار دیگر در افغانستان تکرارگردید .

موقعی که ببرک کارمل،این شاه شجاع ثانی،سوار بر میله تانگ روسی به افغانستان وارد گردید وتوسط آن اشغالگران،به قدرت رسید،ادعانمودکه„ قوای دوست„ برای مدت کوتاهی در افغانستان باقی خواهند ماند، چراکه سرکوب یک مشت„ اشرار„به وقت زیادی نیازنخواهدداشت.اناهیتاراتب زاد،که درتاریخ افغانستان بحیث سمبول زنانه وطنفروشی شناخته شده است ، چندروزبعدازتجاوزقوای سوسیال امپریالیستی به افغانستان ادعاکردکه قوای „ اتحاد شوروی بزرگ „ قبل ازرسیدن نوروزتمامی „اشرار„ راتصفیه نموده وامنیت درافغانستان راتامین مینمایند.لذاضرورت حضوراین قوادرافغانستان برای یک مدت موقت صرفاسه ماهه است . اما چنانچه دیدیم این قوا نه سه ماه بلکه تقریبا ده سال در افغانستان باقی ماندند و در آخر هم شکست خورده از این کشور بیرون رفتند .

رژیم پوشالی کرزی از یکطرف ادعا دارد که با تشکیل پارلمان رژیم ، دیگر قوای سه گانه دولتی در افغانستان تکمیل گردیده و این کشور دارای یک دولت ملی منتخب است . ولی از جانب دیگر با ختم پروسه آغاز شده از کنفرانس بن ، به کنفرانس لندن می رود و در خواست می نماید که قوای اشغالگر خارجی برای پنج تا ده سال دیگر کماکان در افغانستان باقی بمانند . رژیم دست نشانده در واقع خواست و نقشه اشغالگران را شکل درخواست افغانستانی می دهد و طبیعی است که چنین درخواستی نمی تواند مورد قبول واقع نگردد . در کنفرانس لندن فیصله گردید که قوای اشغالگر امپریالیستی برای پنج سال دیگر یعنی تا آخر سال ۲۰۱۰ در افغانستان باقی خواهند ماند .

گویا قرار است تا آن موقع پولیس و اردوی رژیم تکمیل گردیده و قادر به „ تامین امنیت „ در افغانستان گردند . قبلا قرار بود پولیس رژیم تا آخر سال ۲۰۰۶ و اردوی رژیم تا آخر سال ۲۰۰۸ تکمیل گردند . اما اینک تکمیل پولیس برای چهار سال و تکمیل اردو برای دو سال دیگر به تعویق افتاده است . یقینا تا آن موقع یا بازهم گویا اردو و پولیس تکمیل نخواهند شد و یا اگر تکمیل شوند ، قادر به „ تامین امنیت „ بصورت مستقل دانسته نخواهند شد و باز هم درخواست ادامه حضور قوای اشغالگر خارجی از طرف حاکمیت پوشالی مطرح خواهد شد . بطور خلاصه قوای اشغالگر داوطلبانه افغانستان را ترک نمی گویند . آن ها را باید مثل قوای روس با زور از کشور اخراج نمود.

وزارت امور زنان

پانزده فیصد درخوان یغماشریک شد

یکی ازسردمداران رژیم پوشالی که در کنفرانس لندن شرکت کرد،وزیرامورزنان این رژیم بود.درواقع این „ علیا مخدره „ نیزدرزمره کسانی بودکه درخواست باقی ماندن قوای اشغال گربرای ده سال دیگردرافغانستان راامضا کرده بودورسمیت باقی ماندن آنهاتاپنج سال دیگررا تائیدکرد.دستاوردداین وطنفروشی وخیانت ملی برای وزارت امور زنان رژیم این بود که بین ده تا پانزده فیصد مجموع „ کمکهای خارجی „ برای „ بازسازی افغانستان „ تا پنج سال دیگر به این وزارت اختصاص داده شود.وزیر امور زنان رژیم ، بعدازبرگشت ازکنفرانس لندن،این موضوع رابا چنان آب وتابی دربیانیه هاومصاحبه های مطبوعاتی اش مطرح نمودکه گوئی سهم بزرگی از„غنایم سومنات„به دست وزارتش افتاده است.

قبل ازکنفرانس لندن „کمک های خارجی „ برای „ بازسازی افغانستان „ عمدتا از طریق موسسات غیر دولتی خارجی و داخلی به مصرف می رسید و برای رژیم کرزی مقدار اندکی از این کمک هاداده میشد.مقامات عالیرتبه رژیم بااین درخواست به کنفرانس لندن رفتندکه این „ کمکها„ اساسا بایددراختیار„ دولت افغانستان„ قراربگیرد . این درخواست بصورت قسمی مورد قبول „ مراجع کمک دهنده „ واقع گردیدوقرارشدکه ظرف پنج سال آینده پنجاه فیصد„کمک„ هاازطریق „ دولت „ به مصرف برسد و پنجاه فیصد دیگر از طریق موسسات غیر دولتی . به این صورت فیصله به عمل آمد که مبلغ بیشتر از پنج میلیارد دالر از طریق „ دولت„به مصرف برسد (مجموع کمک های وعده داده شده ده و نیم میلیارد دالر است) . مقامات رژیم این موضوع را چنان بزرگ کردند که گویا به „ فتح هند „ نائل آمده اند . داستان رفتن کرزی به زیارت شیر سرخ قندهار و بستن دستار و زدن خوشه گندم به آن و گفته های ملنگ زیارت به اوراهمه به یادداریم.اما این وطنفروش بی آبرووهمراهان بی حیثیتش ، بجای این که ازوطنفروشی هاو خیانت های شان خجالت بکشند ، مدام هر حرکت خائنانه ملی شان را „ فتح الفتوح „ قرار می دهند .

ببینیم موضوع ازچه قرا است وچرامیان „ موسسات غیردولتی„و „دولت„ برسرجلب و جذب„کمکهای خارجی„رقابت شدیدوجود دارد؟

مدیراجرائیوی بانک جهانی درآستانه کنفرانس لندن صریحا بیان داشت که : „ من در طول ماموریت سی ساله ام تا این مقیاس فساد مالی که بیلیون ها دالر کمک خارجی را بلعیده است ، ندیده ام.„ به عقیده اودرحدودچهل فیصد (۴۰٪) „کمک„ هابصورت نادرست به مصرف رسیده است.جالب است که این اظهارات مدیر اجرائیوی بانک جهانی موردتائید وزیرمالیه رژیم نیزقرار گرفت.همچنان گفته شدکه:„ درافغانستان یک غارت بی سابقه بخصوص توسط سازمانهای خصوصی درجریان است.„ درهرحال طبق همین احصائیه،درظرف چهارسال گذشته درحدود چهار میلیارد دالر„کمک خارجی„ حیف ومیل شده است یعنی سالانه یک میلیارد دالر .

مقامات رژیم اختصاص داده شدن پنجاه فیصد „کمکها„ به „ دولت „ را نشانه اعتماد „ مراجع کمک دهنده „ به خود تبلیغ کردند . اما در واقع چنین نیست.درجریان همین کنفرانس لندن مقامات بانک جهانی وسائر„ مراجع کمک دهنده“ علنا و بار بار اظهار کردند که درفساد مالی جاری در افغانستان „ دولت „ و „ موسسات غیر دولتی „ به عین سویه آلوده هستند .

به این ترتیب موضوع بر سر مورد „ اعتماد „ قرار گرفتن „ دولت„نیست،بلکه دادن سهم برابر به مراجع دولتی درحیف ومیل„کمکهای خارجی„ است.درواقع سرازیرشدن بخش بسیارعمده „کمکهای خارجی „ به „ موسسات غیر دولتی „ ، دردرون بروکراسی رژیم دستنشانده آنچنان حالت بحرانی ایجادکرده بودکه در صورت دوام ، فرو پاشی بیشتروبیشتر آن حتمی بود. „ موسسات غیردولتی „ باتکیه بر „ کمکهای خارجی „ آنچنان نیروی متخصص قلیل افغانستان را به خود جذب کرده بودکه موسسات دولتی بابحران کمبود شدیدنیروی متخصص مواجه بود.مراجع امپریالیستی راه حل این بحران را در توزیع مساویانه „ کمک های خارجی „ به „ دولت „ و „ موسسات غیردولتی „ جستجوکردند.به عبارت دیگرآنهامراجع دولتی وغیر دولتی افغانستانی رابه عین سویه درحیف ومیل „کمکهای خارجی „ سهیم ساختندتا „ دولت„ ازبحران نداشتن نیروی متخصص رهائی یابد.البته غیرازحیف و میل، اکنون „ دولت „ نیزهمانند „ موسسات غیر دولتی „ می تواند با تکیه بر پنج و نیم میلیارددالروعده داده شده، معاشات بالائی برای مجریان برنامه های بازسازی در بیروکراسی دولتی بپردازد و متخصصین رابه سوی خودجلب نماید .

پس وزیر امور زنان رژیم به این خاطر با خوشوقتی از کنفرانس لندن بر گشت که قرار وعده های داده شده ، مبلغ تقریبا هشت صد میلون دالر„کمکهای خارجی„ ازطریق وزارت خانه مربوط به اوبه مصرف خواهد رسید.اگرقرار باشدکه میزان حیف ومیل وفساد مالی همان چهل فیصد(۴۰ ٪)باقی بماندوبیشتر نشود، که امکان آن بصورت فوق العاده ای ضعیف است، مبلغی در حدودسه صدوبیست (۳۲۰) میلیون دالر برای رفتن درکیسه های شخصی مقامات این وزارت خانه آماده خواهد بود . این مبلغ سالانه تقریبا شش و نیم(۵/ ۶) میلیون دالرمیشودیعنی دریک روزتقریبا بیست هزار (۲۰۰۰۰) دالریایک میلیون افغانی . البته این مبلغ غیرازمعاشات بالای غیرمعمولی خواهدبودکه این وزارت خانه میتواندرآینده به متخصصین مربوطه اش بپردازد.به نظرنمی رسدکه غنایم سومنات اینقدر ارزش داشته بوده باشد .وزیر امور زنان رژیم واقعاباید خوشوقت باشد ! چرا نباشد ؟

فراخواندن زنان به دور یک خط انقلابی

درودبرمیلیون هازن جهان وبه ویژه زنان افغانستان که جنبش رهائی زنان از قید هرگونه ستم راشجاعانه براه انداخته اندوعلیه هرگونه ظلم و اوضاع ناهنجارکه میلیاردهازن راازحقوق شان محروم ساخته وآنهارادرعقب دیوارهادراسارت نگه داشته است،می رزمند.رزمندگانی که درین راستا بسیج گردیده اند،علیه هرگونه ظلم و زن ستیزی بپا خاسته اند .

باغنیمت شمردن فرصت،روزجهانی زن رابه تمام زنان رزمنده جهان وزنان افغانستانی تبریک میگوئیم.

بلی دوستان عزیز !

واقعیت هاوتاریخ جوامع نشان میدهندوگویای این حقیقت اندکه تاوقتی طبقات کرکترواقعی جامعه را میسازد،میلیاردهازن درزیربارظلم وستم بسرمیبرند ،علیه آنهاتبعیض جنسی وستم مردسالارانه اعمال میگرددومحرومیت ازتمامی حقوق سیاسی، اقتصادی وفرهنگی برآنهاتحمیل میشودوزنان ازشرکت فعال دراین عرصه هامحروم می مانند.تمام این واقعیت های تلخ ریشه درمناسبات ظالمانه اجتماعی و تولیدی دارد.درکشور های عقبمانده و ارتجاعی حتی اهانت وحقارت نسبت به زنان رواداشته میشودوآنها موجودات ناقص العقل به حساب میآیند.درحالیکه ا لحاظ علمی به اثبات رسیده که زنان هیچگونه کمبودوکاستی ای مانندکمبوددماغی ویاکمبودهای دیگردرارگانیزم انسانی شان ندارند.آنهاازاستعدادها وتوانمندی هائی که در مردان دیده می شود ، بی بهره نیستنند وبقدرکافی برخوردارانداما اینگونه برخوردهای غیرانسانی درجوامع عقبمانده و ارتجاعی درموردزنان شایع و برسر زبان ها است .

قابل یادآوری است که درکشور ما افغانستان در مدت سه دهه جنگ،درزیرسلطه نظام هائیکه بازور سر نیزه وسلطه اجانب به وجودآمده،چه در جنگهای ارتجاعی هستی بر انداز تنظیم های جهادی ، چه در دوران سیاه وتحجر گرائی طالبانی وتاهمین اکنون زنان افغانستان را در تمام عرصه های زندگی از حقوق شان محروم ساخته اند و زمینه هیچگونه فعالیتی را برای شان مساعد ننموده اند .

لذابرمااست که تجلیل از چنین روزی را برای زنان افغانستان مساعدکرده وضمن تقدیم درودوشاد باش،آنهاوسائرزحمتکشان رابه دوریک خط انقلابی درامتدادزمان بخاطررهائی شان ازقیدهرگونه ظلم و ستم واستثمارفراخوانیم تاباشدکه از این طریق کاخ هرگونه ظلم واستثماروستم راکه زنان شرافتمند افغانستان وجهان رابه بردگی میکشاند،ویران کنند و بر فراز ویرانه های آن درفش استقلال و آزادی را به اهتزاز در آورند و شهر رهائی رابناسازند .

باردیگرتبریک وتهنیت خودرابه مناسبت هشتم مارچ،روزجهانی زن،به پیشگاه زنان انقلابی جهان و افغانستان عرض می نمائیم .

پیوند میان مسئله زنان وسائر مسائل مربوط به نظام حاکم

ترجمه دری مقاله خوانده شده در محفل به زبان اردو

مهمانان گرامی !

تشریف آوری تان بخاطر رونق بخشیدن به محفل کنونی مارا ازته دل خوش آمدید می‌گوئیم . مثل هرسال دیگرامسال نیزماهشت مارچ ،روز جهانی زن،رابا جوش و خروش برگذارمیکنیم.ماعلیه شرایط موجوددرافغانستان وپامالی حقوق زنان و شانه به شانه شان درجهت حمایت از مبارزات آنان تلاش میکنیم .

هموطنان عزیز !

درهفت اکتبر ۲۰۰۱امپریالیستهای امریکائی و انگلیسی،طالبان والقاعده راتروریست خوانده وباحمله بالای افغانستان حق خودارادیت ملی این کشورراپامال کردند.این مسئله مثل روزروشن برای هرکسی عیان است که امپریالیست های امریکائی بخاطرمنافع شان یعنی گازونفت آسیای میانه و همچنان برقراری کنترل شان براین خطه،ملاهای تندروودرنده صفت مثل القاعده وطالبان رابرخلاف خواهشات مردم افغانستان وباصرف میلیاردهادالر بر افغانستان مسلط ساختند.

امپریالیزم امریکا بخاطرمنافع سیاسی واقتصادی اش،انسان های تاریک الذهن و وحشی ای مثل طالبان را با القاب „ صلح آوران „ و „ خاتمه دهندگان به خانه جنگی ها„ نوازش کردند وازهیچ کمک سیاسی ، اقتصادی ولوجیستیکی به آنهادریغ ننمودند. اماوقتی دیگرطالبان والقاعده نمی توانستندمنافع امپریالیزم امریکاراانعکاس دهند،همان„صلح آوران„ را تروریست نامیدندوخطری برای صلح وسلامتی خواندند .

امپریالیزم امریکا واقعه ۱۱سپتامبررابه مثابه یک پایه سیاسی بکارگرفت وبرمبنای آن برای به اصطلاح صلح وبقای انسانی وجنگ علیه تروریزم درسراسر جهان، تشکیل یک جبهه وسیع رارهبری نمود.ازینجا درتاریخ افغانستان یک داستان غم انگیزدیگرآغاز یافت.دراین عهد مدرن قرن بیست ویکم،امپریالیزم امریکاداستان ظلم وستم،تروریزم آشکار امپر یالیستی ، بی عدالتی های نظام طبقاتی، پایمالی آزادی ، حق خود ارادیت وانصاف وعدالت رابصورت آفتابی وآشکار رونق بخشیده وماهیت امپریالیزم یعنی آخرین مرحله نظام طبقاتی را به نمایش گذاشت . این داستان صرفا داستان تروریزم امپریالیزم امریکاوسائرامپریالیست هادرافغانستان نیست،بلکه درتاریخ جهان ودرقرن بیست ویک،یک داستان جهانی است.امپریالیست ها بخاطرمنافع شان جنگ علیه تروریزم رابهانه ساخته و صرفابر افغانستان حمله نکردند، بلکه حق خودارادیت وآزادی عراق رانیزپایمال کرده اند. علاوه بر آن کشور های دیگری مثل ایران ، کوریای شمالی و همچنان احزاب انقلابی در سراسرجهان را نیز نشانه گرفته اند . غرض آن که بخاطر منافع سیاسی و اقتصادی شان هرحزب انقلابی رادرلیست تروریست هاشامل می سازند و به این ترتیب از بهانه جنگ علیه تروریزم استفاده می کنند .

هموطنان عزیز !

بیجانخواهدبوداگربه دموکراسی،انتخابات و پارلمان نام نهاد امپریالیزم امریکادرافغانستان نظر اندازیم . امپریالیزم امریکا در ۹ اکتبر ۲۰۰۴ ، سر و صدای انتخابات بخاطر برقراری دموکراسی در افغانستان را براه انداخت . اصل هدف امپریالیزم هرگز این نیست که در افغانستان دمکراسی حقیقی بیاید ، بلکه منافعش ایجاب می نماید که در افغانستان یک دموکراسی قلابی وجود داشته باشد . به همین جهت انتخابات نام نهادی براه انداخت ، انتخاباتی که منافع امریکا در عقب آن قرار داشت .

۱- منظور این انتخابات برقراری دموکراسی و ایجاد حکومت دموکراتیک در افغانستان نبود ، بلکه امپریالیزم امریکا می خواست نوکر وفادارش را رویکار نگهداردومنافعش راتامین نماید، درست همان گونه که زمانی امریکا بخاطر اهداف مذموم خود طالبان را بر افغانستان مسلط ساخت .

۲- می خواستند توسط این انتخابات مردم افغانستان و ملل دنیا را فریب دهند که گویا آنها بخاط تامین دموکراسی در افغانستان ، این کشور را مورد حمله قرار داده اند .

۳- می خواستند توسط انتخابات قلابی حکومت دست نشانده شان را انتخابی جلوه دهند و احزاب مخالف امریکا را سرکوب کنند و صلح مورد خواست شان را برقرار نمایند تا که بتوانند افغانستان را بمثابه یک پایگاه در جهت تطبیق و جامه عملی پوشاندن به بقیه پلان های شان ، مورد استفاده قرار دهند .

هموطنان عزیز !

بیائید دموکراسی ، انتخابات و پارلمان امریکائی در افغانستان را در رابطه با حقوق مردم افغانستان و مخصوصا در رابطه با حقوق زنان مورد توجه قرار دهیم . امپریالیزم امریکا و حکومت دست نشانده حامد کرزی مدعی دموکراسی اند و بعد از انتخابات نام نهاد ، پارلمان قلابی تشکیل داده اند و شمولیت چند زن در آن را نشانه دموکراسی می خوانند . آنها این حقایق را عمدا فراموش می کنند که :

مطلب اول - حضور مستقیم قوای اشغالگر امریکائی در افغانستان دموکراسی را نفی می نماید ، چرا که مسئله عمده حق خود ارادیت مردم است . با قتل عام مردم ما و تجاوز بر سرزمین ما و پامالی حقوق اساسی ما ، چگونه بما حق می دهند ؟

مطلب دوم - حکومت دست نشانده حامد کرزی حکومت یک اقلیت کوچک است . بر عکس آن ، ما خواهان دموکراسی برای اکثریت ، بخصوص کارگران ، دهقانان و سائر طبقات مردمی هستیم .

مطلب سوم - دموکراسی مورد خواست ما مبتنی بر حق خود ارادیت ملل ساکن در افغانستان است . امپریالیزم امریکا و حکومت دست نشانده حامد کرزی این موضوع را کاملا نفی می نمایند .

مطلب چهارم- دموکراسی موردخواست مانفی کننده ستم مردسالارانه فئودالی است وحقوق سیاسی،اقتصادی، اجتماعی وفرهنگی زنان رابطورکامل ترجمانی می نماید.

ز نان هموطن !

مانبایدازموجودیت زنان درپارلمان نام نهادحکومت دستنشانده حامدکرزی فریب بخوریم وتصورکنیم که آنهاازحقوق زنان دفاع می نمایند.صرفایکی دوتاازآن زنان دردفاع ازحقوق زنان حرف می زنندوبقیه همه به اصطلاح مدافع حقوق زنان درمحدوده چهاردیواری خانه هستند.مانبایدزنان رابه اعتبارجنسیت شان بلکه به اعتبارذهنیت شان درموردحقوق زنان موردتوجه قراردهیم.ببینیم که ذهنیت آنهادراین موردچگونه است؟آیاآنهابخاطرتامین کامل حقوق زنان مبارزه میکنندیانه؟یااینکه امپریالیستهای امریکائی وحکومت دستنشانده حامدکرزی جنسیت یازن بودن آنهارا نمایشی برای فریب زنان افغانستان ساخته اند ؟ تنها موجودیت زنان درپارلمان انعکاس دهنده حقوق زنان و تامین آن نیست .

مابایداین موضوع رابرای زنان افغانستان روشن سازیم که مسئله حقوق زنان ازسائرمسائل مربوط به این نظام غیرعادلانه جدانیست ودرپیوندباآن مسائل قراردارودرارتباط باآنهامی تواندقابل حل وفصل باشد.تامین حقوق زنان به مثابه یک موضوع کاملاجداازسائرمسائل هرگزممکن نیست.درنظام غیر عادلانه حاکم برافغانستان وموجودیت تجاوزواشغالگری امپریالیست های امریکائی،آنچه درشرایط کنونی ازهمه مهم تر وعمده محسوب می شوداین است که تجاوز و اشغالگری امریکائی نفی کننده دموکراسی حقیقی در این کشور است . لذا بخاطردستیابی به دموکراسی حقیقی مابایدعلیه امپریالیزم امریکا وحکومت دست نشانده ی حامدکرزی مبارزه کنیم ؛ اشغالگران راازکشوربیرون برانیم وحکومت دست نشانده راسرنگون سازیم . برای تامین این هدف مابایدتمام مردم ، به شمول زنان ، را متحدومتشکل بسازیم .

با تشکر و عرض تبریک و تهنیت دوباره .

* * * * * * * * * * * *

بقیه ازصفحه : ۷

راهپیمائی ۸ مارس ...

ازسر گذرانده اند،قادر خواهیم بود،صف قدرتمندی رادرمقابل این دیناسورهای دوران ماقبل تاریخ،تشکیل دهیم .

مازنان بخش افغانستان سازمان زنان ۸ مارس، از همه زنان تحت ستم افغانستان می خواهیم که برای رهایی خودوزنان هموطن خویش وبالاترازهمه برای آزادی همه زنانی که تحت شرایط قوانین نابرابرقرار گرفته اندبه راهپیمایی بزرگ کارزارزنان ایرانی در۸ مارس۲۰۰۶ ازآلمان به هالندبپیوندند.

این راهپیمایی بیان اتحادهمه آنانی است که می خواهندبرای لغو قوانین ضدزن ومجازاتهای اسلامی بجنگند.

واحد افغانستان سازمان زنان ۸ مارس

جنوری ۲۰۰۶

راهپیمائی ۸ مارس

بیان اتحادهمه آنانی است که میخواهند برای لغوقوانین ضد زن و مجازات های تئوکراتیک بجنگند

بیادبیاوریم جمیله۱۶ساله راکه به جرم اینکه از شوهر۸۵ ساله خودفرارکرده است به زندان افگنده اند.
زیبای۱۴ساله راکه به جرم ترک شوهری که هرروز او راموردضرب وشتم وسوءاستفاده قرامیداده،به زندان برده اند.

چندصددختری که هرساله برای فراراززندان ویا تحمل زندگی فلاکت باری که سنت هاو قوانین ضد بشری وضدزن برآنهاتحمیل کرده،خودراسوزاند ه ودر عنفوان جوانی، به زندگی غم انگیزخود پایان می بخشند.

زنان ودخترانی که هرساله توسط شوهر، برادرویاپدرویامرد دیگری ازخانواده،که باتفکر متحجروپشتیبانی مستقیم وغیر مستقیم قوانین ضد زن،قربانی قتل های ناموسی میشوند.

بیادبیاوریم دخترانی راکه به جرم تحصیل ویاعدم مراعات اصول اجباری حجاب،موردتجاوز قرارمیگیرند ویابرصورت شان اسیدپاشیده شده ویاموردلت وکوب وبدترین اهانت هاقرار میگیرند.

بیادبیاوریم میلیون هازنی راکه اکثراعلیرغم میل واقعی خود،برای امنیت خودبه زندان متحرکی به نام چادری (برقع) پناه می برندوخودراازسرتانوک پامی پوشانند.

زنان افغانستان درتمام دوران جنگ در ۲۶ سال گذشته و بخصوص بعدازحکومت تئوکراتیک جهادی هاوحکومت قرون وسطایی طالبان،قربانی حملات هولناک علیه پایه ای ترین حقوق شان بوده اند.

درتمام طول باصطلاح جنگ های داخلی، گروه های مسلح قاتل درافغانستان،بصورت سیستماتیک ودایمی مرتکب جنایات وسوء استفاده اززنان ونقض پایه ای ترین حقوق آنهاشده اند.

این جهادی هاباایدئولوژی وحکومت تئوکراتیک خود،کلیه قوانین زن ستیزانه رانیزبه همراه آورده وازآنزمان تابحال زندگی رابرای زنان افغانستان تبدیل به جهنمی واقعی کرده اند.آنهابعدازبقدرت رسیدن، حکومت تئوکراتیک رادرافغانستان رابنا نهاده، قوانین ضدزن تئوکراتیک رابه قوانین دولتی تبدیل کرده و به مرحله اجراگذاشته اند.هم اکنون زنان بسیاری درزندان ها بسرمی برند.تعدادی ازآنهاازمان طالبان درزندان بوده و بسیاری دیگردرزمان حامدکرزی به جرم „ رفتارهای غیراخلاقی“ به زندان افکنده شده اند.

البته تعداد انگشت شماری ازمردان هم به جرم سوء استفاده وخشونت علیه زنان درزندان بسرمی برند که بیشتر انگیزه های دیگردرپشت آن قراردارد .

مازنان افغانستانی بیش ازهرکسی طعم این قوانین ضدبشری رادردنیای امروزچشیده ایم. درزندگی روزمره خودونزدیکان مان آنراباپوست وگوشت خود تجربه کرده ایم. شرح حال هر یک ازماکتاب های نانوشته ای ازضرب وشتم های رواداشته بر ماو اطرافیان مااست.

قدرت ها ی بزرگ جهان علیرغم تمام ، های و هویشان، هیچ گونه کمکی به مانکردند؛زیراآنها علناوهمچنین مخفیانه جهادی هاوسپس طالبان را ساخته وبه قدرت رساندند،آن نیروهایی را که این قوانین رابرمااعمال کنند وسپس تصمیم گرفتند تامارا " آزاد"کنند.آن هم بدست کی ؟ یکبار دیگر مخلوطی ازجهادی های زن ستیزراکه برخی ازآنها قیافه مدرنیستی بخودگرفته اند بردوش مردم ما سوارنموده وباردیگرتحمیل کردند.

کلیه حوادث نامبرده دربالا،شمه ی از اوضاع روزمره افغانستان هست،نه حوادث متعلق به دوران های قبل.

ازین رو امیدبستن به نیروهای کاذبی که خود مسؤل تشدید ستم بر زنان اند ، خود فریبی بیش نیست.این خودمازنان هستیم که بامبارزه ی بی امان وپیگیرو باکمک وهمبستگی دیگرزنان و مبارزینی که شاهداین همه بی عدالتی هستند و تاب و توان تحمل آنرا ندارند، قادرخواهیم بودعلیه این قوانین و سنت های ضدزن وعلیه هرگونه بی عدالتی،مبارزه کنیم.

ماامروز بخوبی می بینیم که قوانین حکومت تئوکراتیک مختص به تنهاافغانستان نیست. عقب ماندگان عصروباکمک قدرتهای بزرگ تلاش میکنند بااتکاء به این قوانین، خود را بر مسندقدرت درکشورهای عقب مانده اسلامی بنشانند .

این قوانین ضدزن همان قوانینی اندکه درایران یکی از مهمترین پایه های قدرت حکومت تئوکراتیک ایران رامی سازد که زنان رادراین خطه ۲۷ سال بخاک سیاه نشانده و در عین حال مقاومت ومبارزه آنهاراعلیه خودبر انگیخته است .

درعراق این قوانین ضدزن نیزازمان اشغال این کشورتوسط امپریالیزم آمریکاو متحدینش،هرروزقدرت بیشتری میگیرد. اگر این ستم ابتدادرکوچه وخیابان به مرحله عمل درمیآمد، اینک بعدازتصویب قانون اساسی وبا پشتیبانی امریکای دموکرات، رسمیت یافته وجنبه قانونی بخودگرفته است .

این قوانین دربسیاری ازکشورهای خاورمیانه واسلامی بدرجات متفاوتی اعمال می شود.

اینک که زنان مبارزوفعال افغانی وایرانی کارزار مهم وحیاتی راعلیه این قوانین قرون وسطائی به راه انداخته اند،برماست که باتمام توان ازآن حمایت کنیم. این مبارزه ، مبارزه مشترک همه ماست .

همان گونه که مرتجعین و نیروهای زن ستیز در عرصه ی جهانی باکمک وپشتیبانی همدیگر این قوانین رابرزنان تمام کشورهاومنجمله کشورهای ماتحمیل میکنند،برماست که متحدانه علیه این قوانین بپاخیزیم .

همان گونه که قدرت گیری حکومت آخوندی در ایران همانندقوت قلبی برای نیروهای جهادی در افغانستان بودتاتفکرات متحجروعقب مانده وزن ستیز خودرابر مردم بازوروقدرت بیشتری تحمیل کنند، شکست حکومت آخوندی هم در این عرصه،ضربه ی کاری برکلیه این نیروهای عقب مانده درسطح منطقه خواهد بود.

مازنان هم سرنوشتیم .مبارزه مامبارزه ای جهانی است وتنها باکمک واتکاء به توده های مردم وبخصوص زنانی که این ستم های وحشیانه رادرسه دهه گذشته درافغانستان وایران

بقیه درصفحه : ۶

هدف کوچک داشتن گناه است

ترجمه دری مقاله
خوانده شده در محفل به زبان اردو

درود بر شما !

برای من امروز فرصتی دست داده تا در مورد حقوق زنان صحبت نمایم .

درجامعه همانقدرکه مردان نقش دارندزنان نیزبایدنقش داشته باشند.درکشور هائی که زنان دست به مبارزه زده اند توانسته اند کم و بیش حقوقی بدست بیاورند ، چرا که آنها دانسته اند که حق داده نمی شود بلکه گرفته می شود .

برای ترقی کشور نباید زنان نسبت به مردان نقش کمتری داشته باشند بلکه باید شانه به شانه آنها کار نمایند . ولی متاسفانه به این موضوع در جامعه ما اهمیت لازم داده نمی شود . جامعه ما جامعه مرد سالار گفته می شود که در آن مردان دستور دهنده هستند و زنان با وجود صلاحیت های شان نا دیده گرفته می شوند . افسوس که در این قرن بیست و یک هنوز این ذهنیت حاکم است که زنان باید در چهار دیواری محصور نگه داشته شوند . اگر کسی شجاعت به خرج دهد و به بیرون ازخانه پانهدوبرای رویکار آوردن صلاحیت هایش تلاش نماید،هزاران چشم کشیده می شوند و لک ها انگشت تهدید بلند میگردد و کسان زیادی قربانی دسایس می گردند .

همرزمان گرامی !

این موضوع قابل دقت وتوجه است که چرا در جامعه ما زنان را به دیده تحقیرمینگرند؟در کدام رشته زندگی زنان نمی توانندموفقیت بدست آورند؟در وکالت ؟ در طبابت ؟درتدریس؟ درمطبوعات ؟ درکار های انجنیری ؟ در بانک داری و سائرشعبات زندگی ؟

منظور این است که زنان چه در خانه باشند چه در بیرون از خانه ، بایدحق کامل برای شان داده شود . درچنین صورتی است که آنهادراین قرن بیست ویک برای ترقی وپیشرفت ملک وملت بطورکامل می توانندنقش بازی نمایند .

درعصرکنونی برای کارهای کوچک گنجایشی وجودنداردو بایدتمام زنان ومردان بلندهمت باشند.فقط درچنین صورتی است که مامی توانیم درپاسخ دهی به نیاز های قرن بیست و یک موفقیت بدست آوریم . به همین جهت باید گفت که : „ هدف کوچک داشتن صرفا ناکامی نیست بلکه یک گناه محسوب میگردد . „

بیائیدهمه پیمان ببندیم که : „ مقاصد مان را ستاره هائی بسازیم که اگر بیفتندبالای مهتاب بیفتند .

قطعنامه محفل تجلیل ازروز بین المللی زن

„ دسته هشت مارچ „ و „جنبش انقلابی جوانان افغانستان„باسرفرازی وافتخاراعلام مینمایندکه یکباردیگرموفق گردیدندبه همکاری دوستان همرزم شان،روز بین المللی زن راتجلیل نمایند.درختم محفل امروزی یکباردیگر یادجانباختگان راه آزادی،چه زن وچه مردوچه افغانستانی وچه ازسائرکشورها،را گرامی داشته واعلام می داریم :

۱- مبارزه ماعلیه ستم جنسی ادامه می یابد.مااین مبارزه رابمثابه بخش ضروری وغیرقابل انصراف ازکلیت مبارزات علیه اشکال گوناگون ستم واستثمارپیش می بریم.مااین مبارزه رادر پیوندوارتباط عمیق بامبارزه درراه االستقلال وآزادی ملی مان پیش برده ایم وپیش خواهیم برد.مااعلام می نمائیم که زنان آزاده افغانستانی ادامه دهنده راه جانبازانهٔ „ ملالی „ هاو„ ناهید„ هاهستند ونه ادامه دهندهٔ خیانتکاری های„ اناهیتا „ ها.مااناهیتاهای امریکائی امروزی رانه تنها بمثابه خائنین ملی،بلکه بمثابه خائنین به امربرحق مبارزه زنان علیه ستم جنسی نیز می شناسیم.این هامبارزه زنان علیه ستم جنسی رامسخ میکنندوآن رابصورت یک حرکت وطنفروشانه وخائنانه ملی به نمایش میگذارند.این درحالی است که زنان آگاه وآزاده افغانستانی رزمندگان مصمم درراه استقلال وآزادی ملی هستندومبارزه علیه ستم جنسی رادرپیوندوارتباط تنگاتنگ بامبارزه علیه اشغالگران امپریالیست ورژیم دستنشانده شان پیش می برند .

۲- مبارزهٔ زنان علیه ستم جنسی بخشی ازمبارزه علیه کل نظام ارتجاعی حاکم برجامعه است.تازمانیکه نظام استثمارگرانه،ستمگرانه ،ارتجاعی وزن ستیزکنونی به حیاتش ادامه میدهد،دستیابی کامل زنان به حقوق حقه شان وتامین تساوی حقوق میان زنان ومردان، اساسانامکن است.ازاین رومبارزه علیه ستم جنسی بدون مبارزه علیه نظام حاکم ،یک حرکت وتلاش ناکام است.سرنگونی ستم جنسی مردسالارانه فئودالی کنونی وقراردادن زنان درمسیررهائی کامل ازستم جنسی،بدون پیروزی انقلاب مردمی وپیریزی نظام مردمی غیرممکن است .

۳- مافیصله کنفرانس لندن مبنی برحضورقوای اشغالگردر افغانستان تاپنج سال دیگررابه شدت محکوم می نمائیم . ما اعلام می نمائیم که این فیصله نشانگرآن است که امپریالیست های اشغالگرامریکائی ومتحدین شان اساسانمی خواهند از افغانستان بیرون روند،مگراین که آنهاراباپیشبردمبارزات وسیع و مقاومت توده ئی ازکشوراخراج نمود.چنانچه چنین مبارزات و مقاومتی صورت نگیردویابه قدرکافی قوی نباشد،آنهابعداز سپری شدن پنج سال دیگربازهم مدت حضورشان رادرافغانستان تمدیدخواهندکرد.رژیم دست نشانده هم اکنون حضورآنهاراتاده سال دیگر تقاضا کرده بود .

آخرین تحولات سیاسی درکل منطقه شرق میانه، آسیای مرکزی وآسیای جنوبی بصورت روشن وآفتابی نشان میدهدکه امپریالیستهای امریکائی برای سراسر این منطقه نقشه های درازمدت بسیارخطرناکی دارند. اینک دیگرروشن شده است که امپریالیست های امریکائی دراتحادنزدیک باصهیونیزم اسرائیل درغرب این منطقه وتوسعه طلبی هنددرشرق این منطقه وباایجادرژیم های دستنشانده درقلب منطقه (افغانستان،عراق و ...) می خواهندکل این ساحه وسیع رابصورت محکم و دوامدارتحت انقیاددرآورند .

اینک این منطقه به مرکزتوفانزای سیاست جهانی مبدل شده است.مبارزات وخیزش های توده ئی موجود درمنطقه عمق وگسترش خواهندیافت و مبارزات وخیزش های دیگری نیز از راه خواهند رسید.باامواج توفانزای کنونی همراه و همگام شویم و به استقبال امواج نوین برویم .

„ دسته هشت مارچ „ - „ جنبش انقلابی جوانان افغانستان „

دهم مارچ ۲۰۰۶

دوام اشغال افغانستان تاآخرسال ۲۰۱۰

کنفرانس لندن که چندی قبل دائرگردیده بود ، درنوع خودچهارمین کنفرانس در مورد افغانستان بعدازتجاوزامپریالیست های امریکائی ومتحدین شان براین کشوراست.کنفرانس بن،کنفرانس توکیووکنفرانس برلین به ترتیب درسال های ۲۰۰۱ ، ۲۰۰۲ و ۲۰۰۴ دائرگردیده بودند. کنفرانس بن سرآغاز رسمیت دادن به تجاوزواشغالگری امپریالیستی توسط یک مرجع ساختگی افغانستانی بودو کنفرانس های توکیو و برلین ادامه آن . با انجام انتخابات پارلمانی برای رژیم دست نشانده وتشکیل پارلمان پوشالی پروسه آغازشده ازکنفرانس بن خاتمه یافت . در کنفرانس بن چنین نمایانده شده بود که بعد از ایجادقوای مجریه ، قضائیه و مقننه برای حاکمیت پوشالی ،ساختاربه اصطلاح دولت افغانستان تکمیل می گردد و این دولت می تواند مستقلا حاکمیت داشته وامنیت درافغانستان راخودتامین نماید.لذادیگرضرورتی به حضورقوای خارجی متجاوزواشغالگردراین کشوروجودنخواهد داشت .

بقیه درصفحه : ۲

زنان پارلمان نشین مجری ستم برزنان اند

اشغالگران ورژیم دستنشانده آنهاادعادارندکه زنان افغانستان راآزادکرده وحقوق زیادی به آنهاداده اند.مثلا تبلیغ میکنندکه یک چهارم چوکی های پارلمان افغانستان را زن هااشغال کرده اند . میگویند این ها صلاحیت دارند که به نفع زنان قانون گذاری نمایند . اما واقعیت از چه قرار است ؟

واقعیت این است که یکتعدادازنان این آزادی رابدست آورده اندکه برای آرایش زنانه رژیم پوشالی فعالیت هائی انجام دهندوموقعیت هائی را در چوکی های رژیم اشغال کنند.مااین فعالیت هاوچوکی گرفتن هاهیچ ربطی باکسب حقوق توده زنان افغانستان ندارد.

اولاکشورومردمانی که استقلال وآزادی ملی شان سلب شده وتحت اشغال وانقیاددرآمده باشند،نمی توانندآزادی داشته باشند.درچنین حالتی اولین شرط تامین آزادی عمومی تمامی مردمان،دفع تجاوزواشغال وتامین استقلال وآزادی ملی است.تازمان دستیابی به این هدف،هیچ کسی،چه زن باشدچه مرد،نمی تواند ادعانمایدکه به آزادی و رهائی دست یافته است .

بقیه درصفحه : ۵

به یاد „ نادیه انجمن „ شاعر جانباخته

نادیه انجمن شاعری جوان از میان زنان افغانستان بود.نادیه دربین مردم بخصوص محافل شعروشاعری هرات بخوبی شناخته شده بود.وی هم به سبک سنتی وهم به سبک نوشعرمی سرود . نادیه درهنگام کشته شدنش در۵ نوامبر۲۰۰۵ ، فقط بیست وپنج سال عمرداشت.

نادیه که اززخم های ناشی ازلت وکوب شوهرش درگذشت،دانشجوی سال چهارم ادبیات دردانشگاه هرات بود.شوهرش که یک سال بود با اوازدواج کرده بودکارمندبخش اداری همان دانشگاه بوده است .

نه تنها داستان غم انگیز مرگ نادیه ، بلکه هر کلمه از شعرهایش فریادی از ستم هائی است که اوازسرمی گذرانده است .اودرشعروشاعری در منطقه اش ودرسراسرافغانستان چیزی جدیدرا نمایندگی میکرد.نادیه توانسته بوددرجایی که ستم برزنان باقدرت هرچه تمام ترودرکلیه عرصه های زندگی وبا توسل به قانون،سنت ومذهب اعمال میشد،ازموانع عظیمی که برسرراه زنان درورودبه تحصیلات عالی قراردارد باموفقیت بگذرد.اوحتی فراترازآن رفته وبه شاعرماهری تبدیل شدو جرات نمودشعرهایش رادرانظارعمومی درانجمن شعربخواند.بعدازمبارزه سختی که او ازسرگذراند مجبورشدکه هزینه گزاف وتلخی راپپردازدزیراکه برحرکت درمسیر خلاف اشکال رایج و محدود کننده زندگی زنان، پافشاری کرده بود.

نادیه قبل از اینکه خودش اسیر و قربانی مرد سالاری شوهرش گردد ، غم ها و رنج ها ی زنان را در شعرهایش ابراز میکرد . او در خلال سال آخر زندگی اش کمتر و کمتر به انجمن شعر می رفت ، نه به این دلیل که او شعری برای خواندن نداشت ، بلکه مجبور شده بود که در خانه بماند . شعر ذیل شرایط او را بطرز دقیقی بیان می کند:

چه بگویم سخن از شهد .
که زهر است به کامم
وای از مشت ستمگر که
بکوبیده دهانم

***

من و این کنج اسارت
. غم ناکامی و حسرت ..

اما او یاد آوری می کند که هنوز امید هست و می گوید:

گرچه دیری است خموشم .
نرود نغمه ز یادم
زان که هر لحظه به نجوا
سخن از دل برهانم
یاد آن روز گرامی که قفس
را بشکانم
سر برون آرم از این عزلت
و مستانه بخوانم

اما„ مشت ستمگر“مهلکترازآن بودکه اوتصور میکرد.این مشت ازجایی فراترازمرزخانه وخانواده ، جایی که نادیه می زیست فرودمیآمد.**درحقیقت، مشت ستمگری که نادیه راکشت تجسم نیروهایی است که ستم برزنان در جهت تامین منافع شان قرارمیگیرد.**

بقیه درصفحه : ۴